

## بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مقاومت در رمان «أدرکها النسیان» و «ارمیا»

سمانه موسی‌پور<sup>۱</sup>، یوسف هادی‌پور<sup>۲\*</sup>، فرهاد دیوسالار<sup>۳</sup>

### چکیده

اثر ادبی متعهد و جاودانه، هنری است که در خدمت دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های دینی-انسانی قرار گیرد. بیداری اسلامی از ابعاد مهم ادبیات جنگ و پایداری است و ایستادگی در برابر بیدادگری‌ها و نظام‌های ظالم در تاریخ همه ملت‌ها و جوامع دیده می‌شود. هنگامی که یک ملت به مبارزه با عوامل استبداد داخلی یا تجاوز بیگانگان برمی‌خیزد از سروده‌ها و نوشته‌هایی بهره می‌گیرد که موضوع اصلی آن دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است و این آثار در حوزه ادبیات مقاومت گنجانده می‌شود. این جستار با استفاده از رمان «أدرکها النسیان» نوشته سناء الشعلان و رمان «ارمیا»، اثر رضا امیرخانی، در تلاش است مؤلفه‌های مقاومت را در آثار هریک از نویسندگان فوق‌الذکر مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در ابتدا به توضیحاتی در مورد دو رمان می‌پردازد و سپس مؤلفه‌های مقاومت را در دو اثر تبیین و تحلیل می‌کند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد موضوع رمان «أدرکها النسیان»، به مباحثی مانند آوارگی، فقر، ذلت، ناامیدی، ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی اشاره دارد. اما رمان «ارمیا»، که یک رمان در زمینه دفاع مقدس است، به موضوعات شهادت‌طلبی، دفاع از مقدسات، یاری جستن از امامان، ایثارگری، تفاوت نسل پیش از جنگ و بعد از آن می‌پردازد؛ همچنین تفاوت‌هایی در سطح این دو رمان مشاهده می‌گردد که مربوط به نوع بیان نویسنده و مؤلفه‌های موجود است.

**کلید واژه‌ها:** ادبیات پایداری، مؤلفه‌های مقاومت، دفاع مقدس، فلسطین، «ارمیا»، «أدرکها النسیان».

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

alsariyh.moosapoor@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

Hadi1339@yahoo.com

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

## مقدمه

ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات است که با اشکال گوناگون ظلم و استعمار مبارزه می‌کند. «سلاح ادبیات پایداری، برخلاف درگیری مسلحانه و فیزیکی، زبان ادبی است که سلاحی قوی و نیرومند است؛ چراکه ابزاری ماندگار و پویا است». (قصی، ۱۹۷۲: ۱۲) «ادبیات پایداری از نظر درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی، جدی‌ترین قالب ادبیات شناخته شده است که اهمیت آن در زمان دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جوامع آشکار می‌شود». (صالحی و نیکوبخت، ۱۳۹۱: ۷۷) سناء الشعلان ادیب و نویسنده آزاده اردنی با اصالتی فلسطینی، جسورانه دست به قلم می‌شود و مطالب موردپسندش که مزین به زبانی است که فرهنگ گسترده‌ای به واسطه آن غنی می‌شود و انسانیت را که از همه مرزها عبور می‌کند بیان می‌کند؛ که نتیجه آن، ادبیات و جنبش فکری است که احساسات و ذوقی سلیم از آن می‌جوشد. سناء الشعلان در داستان‌هایش بر این باور است که با وجود تمام زشتی موجود در کشورهای عربی، که در نتیجه جنگ و سرکوبگری در رنج بسر می‌برند و در جهان حاکم است؛ باید خوش‌بین باشند، زیرا این ملت‌ها با نپذیرفتن سلطه دشمنان و با مقاومت در برابر آنان و با دادن جان و مال خود ملت‌هایی آزاده هستند. او معتقد است که مهم‌ترین راه استقرار صلح جهانی و پایان‌دادن به اشغال سرزمین‌ها، به ویژه فلسطین را مقاومت در برابر استعمار خارجی و استبداد داخلی می‌داند که جهادی مقدس بوده و پیروزی را در عشق به وطن، صبر و استقامت دانسته و شهادت در این راه را قطعی می‌داند.

رضا امیرخانی، نویسنده و منتقد ادبی است که آثار وی نمونه‌های بسیار زیبا از دفاع مقدس می‌باشد. او در کنار نگارش رمان و داستان بلند، به تألیف سفرنامه‌های ذهنی پرداخته است، که توانسته با داستان‌های دلنواز خود همواره آثار ادبی‌زیبایی را به مخاطب عرضه نماید. یکی از آثار این نویسنده، «ارمیا» است. این رمان در مورد فردی است به نام «ارمیا» که از ابتدای داستان او را در حال‌وهوای جنگ مشاهده می‌کنیم؛ اما رفته رفته حوادث جالبی برای وی اتفاق می‌افتد و در نهایت به شهادت می‌رسد.

### سؤالات پژوهش

- ۱ - چه عواملی رمان «أدرکها النسیان» و «ارمیا» را در چارچوب نمونه کاملی از ادبیات داستانی مقاومت و پایداری قرار داده است؟
- ۲ - مهم‌ترین رویکرد و مؤلفه‌های پایداری در این دو داستان کدامند؟

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- هوشیاری نویسنده در تصویر پردازی تجاوز صهیونیست‌ها به سرزمین قدس از طریق داستان؛ و رمان ارمیا با بیان مشاهدات و تجربیات زمان جنگ باعث شده است مخاطب به درستی از وضعیت جنگ و پس از آن مطلع گردد.
- ۲- بیداری اسلامی از مهم‌ترین رویکرد و مؤلفه‌های پایداری در رمان «أدرکها النسیان» می‌باشد. نویسنده به مؤلفه‌هایی همانند عشق به وطن، فریاد بیداری و دردمندی و ستیز در مقابل متجاوزان می‌پردازد. همچنین در رمان ارمیا، نویسنده با استفاده از فضاپردازی زمان جنگ و زاویه دید دانای کل سعی داشته است مضامینی مانند شهادت‌طلبی، ایثار، عشق و مشکلات داخلی را هنگام جنگ به تصویر بکشد.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

از دغدغه‌های مهم جامعه بشری و اسلامی، دفاع از انسان‌های ستمدیده در هر گوشه و کنار دنیا است، که شناخت ادبیات پایداری یکی از جلوه‌های این تلاش و دغدغه می‌باشد. ادبیات مقاومت از مهم‌ترین سنگرهای فرهنگی ملت‌های تحت سلطه است. ادبیات مقاومت واکنشی به حاکمیت استبداد و استعمار است که ارزش‌های ادبی، فکری و تجارب هنری ویژه‌ای را در آثار رمان‌نویسان و شاعران به‌جای نهاده است و تا هنگامی که ظلم و بیداد در جهان است، مقاومت و پایداری نیز در جهان می‌باشد و ادبیات پایداری نیز، پایه‌پای انسان به حیات خود ادامه می‌دهد و محدود کردن آن به یک دوره یا مقطع زمانی خاص، بی‌معناست. در ادب پایداری، نویسنده مقاومت انسان را به گونه‌ای در برابر ظلم، تجاوز، زیاده‌خواهی و بی‌عدالتی به تصویر می‌کشد که همه مردم جهان با

اسطوره‌ها و نمادهای ادبی او احساس پیوستگی و هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و از همین منظر، تأثیرگذاری، نفوذ و ماندگاری این نوع ادب بسیار زیاد است. پیام‌هایی همچون آزادی و آزادگی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، وطن‌پرستی، ایثار و جانبازی، نوع‌دوستی به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود و طبیعتاً دایره مخاطبان این اثر ادبی، گسترده است و هرگز در چاه و چاله بحران مخاطب سقوط نمی‌کند، و لذا تأثیرپذیری نویسندگان و شاعران ما از ادبیات نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی همچون فلسطین، لبنان، سوریه، مصر، عراق، افغانستان از دو زاویه ارزشی و اعتقادی، مثبت و سازنده است.

#### پیشینه تحقیق

پیرامون آثار سناء الشعلان و رضا امیرخانی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب «فضائات التخلیل مقاربات فی التشکیل و الروی و الدلاله فی ابداع سناء الشعلان القصص» نوشته شده در سال ۲۰۱۶ م. مجموعه مطالبی از ناقدین است که دکتر غنام محمدخضر آن را گردآوری نموده است. این کتاب شامل بر ۲۵۰ صفحه است.
- تحلیل رمان «السقوط فی الشمس» اثر سناء الشعلان بر مبنای نظریه جریان سیال ذهن» از مرتضی زارع و فاطمه کاظمی که در سال (۱۳۹۹ش) در فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) به چاپ رسیده است. در این مقاله، نگارندگان بارزترین مبانی جریان سیال ذهن را در رمان مذکور از جمله طرح داستان، شگردهای روایی، زمان و همچنین شعرگونگی را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.
- پایان‌نامه «سبک‌شناسی رمان‌های رضا امیرخانی (ارمیا، من او، بیوتن، قیدار)» اثر محمدزاده، مریم رامین‌نیا، منا علی‌مددی در سال ۱۳۹۵ ش، دانشگاه گنبد کاووس. در این اثر مجموعه آثار رضا امیرخانی از لحاظ سبک نگارشی مورد بررسی قرار گرفته است.
- مقاله «بررسی سبک‌شناسانه رمان «ارمیا» اثر رضا امیرخانی» نوشته شده توسط محمد رضایی و فهیمه خیری، منتشر شده در نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش. صص: ۱۳۳-۱۵۶.

با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، پژوهشی در مورد مؤلفه‌های مقاومت در این دو اثر یافت نشد، لذا بر آن شدیم تا پژوهشی در این زمینه ارائه گردد.

### روش پژوهش

در این جستار برانیم تا با روش توصیفی - تحلیلی پس از بیان خلاصه‌ی رمان «أدرکها النسیان» و «ارمیا»، نگاهی گذرا به زندگی دو نویسنده داشته و با معرفی آثار آنها به واکاوی مؤلفه‌ها و رویکرد پایداری و مقاومت اسلامی در آثار مذکور بپردازیم.

### بحث و بررسی یافته‌ها

#### مقاومت ادبی و تاریخچه آن

ادبیات مقاومت سابقه‌ای به قدمت تمدن بشری دارد و در هر دوره‌ای، متناسب با شرایط و موقعیت آن رخ می‌نماید و در شرایطی چون خفقان، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی جلوه می‌کند و با زبانی صریح بیان می‌شود. با توجه به شرایط و مقتضیات هر دوره تاریخی، ادبیات مقاومت جلوه و نحوه بروز و ظهورش می‌تواند با دوره دیگر متفاوت باشد، چنان‌که در دوره‌ای از تاریخ نوع ادب معترض، افشاگر و هشداردهنده و در دوره‌های دیگر نوع ادب عارفانه و زاهدانه بوده است. ادبیات متعهد با ادب ملتزم، معادل اصطلاح انگلیسی (engaged literature)، گونه‌ای از ادبیات است که در خدمت آزادی اجتماعی محرومان و فرودستان جامعه باشد و هدف آن پرداختن به آرمان‌های آنان باشد. ادبیات متعهد بخشی از ادبیات روشنگری است، البته باید گفت که الزام و التزام باهم تفاوت دارند. التزام و تعهد یعنی آزادی انتخاب، که به خواهش‌های وجدان و ضمیر خود پاسخ می‌دهد، پس آزادی یکی از شروط اساسی التزام است؛ اما کسی که به اجبار در قبال یک مسأله تعهد می‌سپارد؛ ملتزم نیست چون شرط اساسی التزام آزادی است، اما در خصوص فرد مجبور این التزام و تعهد از دل و عقیده شخص سرچشمه نگرفته است، درحالی‌که ادیب ملتزم، نه تنها وضع موجود را تحمل نمی‌کند، بلکه در پی تغییر آن است و از سلاح خود (سلاح سخن) یاری می‌جوید. در حقیقت یکی از سختی‌های

رمان پایداری، مراعات ایدئولوژی پایداری هم‌زمان با توجه به زیبایی آن است. به‌عنوان مثال، اگر رمان‌نویس غربی منحصر به زیبابودن اثر هست، نویسنده پایداری هم زمان باید دو اصل مهم را در نظر بگیرد، یکی ایدئولوژی پایداری و دیگری زیبایی هنری رمان؛ که همین امر سبب می‌شود رمان‌نویس پایداری، با سختی‌های بیشتری برای آفرینش اثر ادبی روبرو شود. (ر.ک. النابلسی، ۱۹۹۱: ۱۴-۱۵)

### بیوگرافی سناء الشعلان

سناء کامل احمد شعلان از جمله نویسندگان مسلمان معاصر عرب بوده است که آثار خود را به متون دینی خصوصاً قرآن ارجاع داده و با شیوه‌های مختلف در آثار خود از آن استفاده کرده است. وی در سال ۱۹۷۷ م در محله صویلح، در شهر عمان متولد شد. اصالت خانوادگی وی به روستای بیت نتیف در استان الخلیل فلسطین باز می‌گردد. وی در سال ۱۹۹۸ م لیسانس زبان و ادبیات عربی را از دانشگاه یرموک و کارشناسی ارشد ادبیات مدرن را از دانشگاه اردن در سال ۲۰۰۳ م و دکترای زبان عربی را از همین دانشگاه در سال ۲۰۰۶ م با درجه ممتاز دریافت کرد و به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه اردن انتخاب شد. وی در آوریل ۲۰۱۴ م دکترای افتخاری روزنامه‌نگاری و رسانه را از دانشگاه کمبریج دریافت نموده است. (ر.ک. خضر، ۲۰۱۲: ۲۷۲-۲۸۰). وی موفق به کسب حدود ۶۳ جایزه بین‌المللی، عربی و محلی در زمینه‌های رمان، داستان کوتاه، ادبیات کودکان و نوجوانان و تئاتر شده است. علاوه بر این، بسیاری از نمایش‌نامه‌های وی در تئاترهای محلی و عربی اجرا شده است. آثارش به زبان‌های بسیاری همچون انگلیسی، فرانسه، هندی و بریتانیایی و... ترجمه شده است. او در دانشگاه اردن در دو سال متوالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ م استاد برجسته و نمونه شد. او همچنین قبلاً در سال ۲۰۰۵ م رتبه دانشجوی برجسته را کسب کرد. آثار و پروژه‌های خلاقانه او زمینه‌ای برای بسیاری از مطالعات علمی - پژوهشی و پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد در اردن و جهان عرب است. (ر.ک. المشایخ، ۲۰۱۹: ۱۰۱) شعلان مؤلف ۵۲ اثر چاپ شده پیرامون نقد تخصصی و داستان و رمان و مجموعه قصه‌ها و قصه کودکان از بین صدها مقاله و پژوهش‌های منتشر شده می‌باشد. علاوه بر این موارد، عضو ثابت در بیشتر مجلات ادواری محلی

عربی است. وی همچنین در کنفرانس‌های محلی بین‌المللی عربی در زمینه موضوعات ادبیات، نقد و حقوق بشر مشارکت گسترده‌ای دارد. وی نماینده برخی از مؤسسات فرهنگی و حقوقی است و در بسیاری از پروژه‌های عربی- فرهنگی مشارکت دارد. کارهای ایشان به بیشتر زبان‌ها ترجمه شده است و بسیار از وی تقدیر شده است و مدرک افتخاری و تندیس‌های فرهنگی و اجتماعی و حقوقی بسیاری دارد. «أدرکها النسیان» تجربه‌ای بی‌نظیر در روایت عرب است و یکی از جدیدترین رمان‌های عربی در سال ۲۰۱۸م به حساب می‌آید. رمان «اصدقاء دیمه» در زمینه جوانان؛ موفّق به کسب جایزه کاتارا در رمان‌های عربی دوره چهارم در سال ۲۰۱۸م میلادی شد. «أعشقنی، السقوط فی الشّمس» نیز از دیگر رمان‌های این نویسنده است.

#### خلاصه رمان «أدرکها النسیان»

«أدرکها النسیان» در سال ۲۰۱۸م در عمان پایتخت اردن از سوی انتشارات امواج منتشر شده است. این رمان دارای «سی نسیان» و در ۳۵۸ صفحه به زیور چاپ آراسته شده است. بعد از رمان «سقوط فی الشّمس» در سال ۲۰۰۵م این چهارمین رمان از بانو سناء الشعلان است که جایزه صلاح الدین ایوبی به آن اعطاء شده است. فضای دینی و صوفی‌گری و عشق آسمانی منحصربه‌فرد موجود در این رمان به جهان ارزش زندگی می‌دهد. دو قهرمان اصلی رمان یعنی ضحاک و بهاء، حقایق عشق آسمانی را ترسیم نموده‌اند. شخصیت ضحاک که در کشورهای سرد و یخبندان به سر می‌برد و در مکانی زندگی می‌کند که در آن حرارت گرمای داخل وطن او را حمایت نمی‌کند. در مقابل کاراکتر شخصیت ضحاک، بهاء را داریم که در سخت‌ترین شرایط از بی‌رحمی‌ها، خفقان و دردناک‌ترین مسائل به سر می‌برد، لیکن آن زمان که به موضوع وطن مربوط می‌شود او وطن‌دوستی و عشق به سرزمینش را برعکس تصوّر ضحاک به تصویر می‌کشد. بهاء چندین دهه در وطن خویش به سر می‌برد و با تمام خیانت‌ها و فقر مادی و فرهنگی، حتی ناچار به تن‌فروشی و قلم‌فروشی شد تا بتواند از این راه روزگار خود را بگذراند؛ درحالی‌که ضحاک، یتیم‌خانه و وطن را در زمان کودکی ترک کرده است و توسط پسرعموی پدرش که شخصی ثروتمند و دارای همسری یونانی و مهربان بود به فرزندخواندگی هویت یافته بود و زندگی و آغوش گرم و

پیشرفت علمی و مادی را احساس نمود. بهاء با همه فقر و ذلت‌هایی که کشید از وطنش بیزار نبود و با همه رنج‌هایی که در کشورش می‌کشید بر این باور بود که همه کشورها پاک و دلربا نیستند و برای فرزندان‌شان پناهگاه امن نیستند و از آن‌ها استقبال گرمی نمی‌کنند؛ اما فرزندان باید مثبت‌اندیش باشند تا بتوانند در آن سرزمین‌ها دوام بیاورند و یا این‌که به وطنشان برگردند حتی اگر مدت زمان طولانی از وطن دور بوده باشند. رمان‌نویس از آغاز عنوان تا تمام فراموشی‌ها و ستارگان اوریگامی، نقاشی‌ها، پویانمایی‌ها و کلیپ‌های ویدئویی را به هم آمیخته که چیز جدیدی در خاطره ضحاک سلیم و یار قرمز جذابش بهاء زنده کند. در کشورهای عربی تحت ستم، ضحاک یتیمی است و از حق عشق و بهترین زندگی محروم است. بین دوگانگی یادآوری و فراموشی، اتصال و جدایی، وطن و میهن، فضیلت و رذیلت و زندگی و مرگ، داستان‌نویس تقابل بزرگی را بین دو مورد همراه با از دست دادن پدر و مادر و عشق بزرگ اتخاذ می‌کند. در آغاز کلمه نور و آرامش بود، آن‌ها را به هم پیوند می‌داد، گاهی غم و درد و گاهی اوقات اجبار و عصبانیت، با عشق بسیار و لذت بسیار کم و سرنوشت آن‌ها جریان می‌یافت و هر یک از آن‌ها با سستی زمانی بین خود به سمت خیابان‌های میهن می‌رفتند و خدا خیلی زود برای ضحاک در هوای یخبندان، امور را تسهیل می‌کند، اما او با عشق، رحمت و انسانیت بسیار گرم است. ضحاک، آزمون زندگی را با برتری گذراند و سوار آسمان علم، دانش، فرهنگ، خلاقیت و دنیای دارایی و تجارت شد، درحالی‌که معشوقش بهاء در خیابان‌های میهن گمشده باقی می‌ماند و بدن و کلماتش مورد غارت و تجاوز و توجه قرار می‌گیرد.

### بیوگرافی رضا امیرخانی

رضا امیرخانی نویسنده جوان و مطرح ایرانی در ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۲ش، در شهر تهران متولد شد. وی تحصیلات دبیرستان خود را در یکی از بهترین دبیرستان‌های تهران، یعنی دبیرستان علامه حلی به اتمام رساند و در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف فارغ‌التحصیل شد. امیرخانی در دوران دبیرستان با شرکت در شب‌های شعر دبیرستان به ادبیات روی آورد و تصمیم گرفت به شکل جدی آن را ادامه دهد. از این رو به نگارش اولین کتاب رمان خود پرداخت که آن



را در سال ۱۳۷۴ش با عنوان «ارمیا» منتشر نمود. رضا امیرخانی خود را نویسنده‌ای معتقد و متعهد به نظام جمهوری اسلامی می‌داند. او رابطه‌ی نزدیک و دوستانه‌ای با سران مملکت به ویژه شخص رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای دارد. کتاب «داستان سیستان» حاصل سفر مشترک امیرخانی و رهبر، به استان سیستان و بلوچستان است که در قالب سفرنامه منتشر شده است. در اغلب آثار امیرخانی می‌توان نوعی اشتراک در شخصیت‌پردازی و وحدت موضوع را مشاهده نمود. تازه‌ترین اثر رضا امیرخانی با نام «ره‌ش» در زمستان ۱۳۹۶ توسط نشر افق منتشر شد که با استقبال بی‌نظیری از سوی مخاطبین روبه‌رو شد.

#### خلاصه‌ی رمان «ارمیا»

«ارمیا» نوشته‌ی رضا امیرخانی برای اولین بار در سال ۱۳۷۴ش ه همّت نشر سمپاد در ۲۲۴ صفحه منتشر گردید. ارمیا دانشجوی جوان یک خانواده‌ی مرفّه و بیگانه با فرهنگ جهاد است. او برخلاف خانواده، عاشق جهاد است. برای همین تصمیم می‌گیرد به جبهه برود. او با وجود مخالفت‌های شدید پدر و مادرش بدون اطلاع آنان زمستان سال ۶۶ برای اعزام به جبهه، به مسجدی در جنوب شهر می‌رود. هنگام ثبت‌نام با مصطفی آشنا می‌شود. مصطفی رزمنده‌ای است از جنوب تهران. آشنایی آن‌ها باهم باعث می‌شود که مصطفی تأثیر زیادی بر ارمیا بگذارد، و ارمیا رفته‌رفته به کمالاتی می‌رسد که قبلاً حتّی فکرش را هم نمی‌کرده است. مصطفی بر اثر اصابت ترکش درون سنگر شهید می‌شود. شهادت مصطفی تأثیر شگرفی بر ارمیا می‌گذارد. طوری که حتّی او را برای مداوا نزد پزشک روانکاو می‌برند. چیزی نمی‌گذرد که عراق قطعنامه ۵۹۸ را که ایران چند هفته قبل پذیرفته بود، می‌پذیرد. در جبهه سکوتی سنگین و حزن‌آلود برقرار می‌شود. صبح روز بعد، پدر ارمیا با رنوبی سفید که متعلّق به ارمیا بوده به قصد اهواز حرکت می‌کند، و سرانجام ارمیا را پیدا کرده و با خود به تهران برمی‌گرداند. در راه، پدر متوجّه بیماری شدید ارمیا می‌شود. ارمیا با دیدن خانه درمی‌یابد که برای مردم بالای شهر تهران جنگ رخ نداده است. ارمیا چند هفته‌ای خود را در اتاقش محبوس می‌کند. بالاخره ارمیا تصمیم می‌گیرد به دانشگاه برود. ولی دانشگاه را هم، رها می‌کند و در پی آن، خانه پدرش را هم ترک می‌کند. او به ساختمانی می‌رسد

که کارگران معدن در آن زندگی می‌کنند. روزها می‌گذرد و ارمیا به کار در معدن عادت می‌کند. تا این که یک روز رئیس معدن برای کارگران یک رادیو می‌آورد و ارمیا خبر ارتحال امام را می‌شنود. با شتاب به سوی تهران حرکت می‌کند و در مرقد امام بر اثر ازدحام می‌میرد. و در همان لحظه مصطفی را می‌بیند که آغوش باز کرده او را به خود می‌خواند.

### مؤلفه‌های پایداری در رمان «أدرکها النسیان»

#### ۱. ادبیات جنگ

مشکلاتی که اسرائیل سبب به وجود آمدن آن‌ها شده است به ترتیب زیر ذکر می‌نماییم. قسمت‌هایی از رمان که به این موضوع اشاره دارد این ایده را اثبات می‌نماید:

#### ۱. ۱. آوارگی

بی‌شک عامل اصلی آوارگی و بی‌خانمان شدن فلسطینی‌ها، اشغال سرزمین آن‌ها به وسیله اسرائیل است. اشغالی که در اثر آن هزاران نفر از مردم فلسطین آواره و بی‌خانمان گشتند. «با کوچ خودخواسته یهودیان و اشغال سرزمین فلسطین، زمینه اخراج ساکنان اصلی این سرزمین مهیا شد؛ میهمانی که میزبان را اخراج نمود. اکنون مردم فلسطین با دشمنی روبه‌رو هستند که اگر بتواند، مسلمانان را از صفحه روزگار محو می‌سازد و در این کار تردید نمی‌کند؛ دشمنی که کمترین جرم او نسل‌کشی و نابود ساختن ریشه فلسطینیان و هر مبارزی است». (مجیدی، ۱۳۹۰: ۴۱۱) شعلان در رمان «أدرکها النسیان» به این محنت و رنج فلسطینیان اشاره می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان به عبارت‌های زیر در نسیان دوازدهم این رمان اشاره کرد که بیانگر رنج و محنت است: خانواده وفا ذیب به خاطر ظلم و ستم حاکم بر سرزمینشان ترک وطن کردند. خانواده‌اش قرن‌هاست به واسطه ظلم و ستمی که در اقصی نقاط وطنشان حاکم شده فرار کردند و به کشورهای گرم حوزه عربی پناه آوردند. «لقد حدثني عن تفاصيل حياته حيث وكّد في أسره علم طيبه من أصول مهاجرة من جبال الشرق ثم خرج من مدينته المحافظه ليفتح صدره و قلبه و روحه و عقله للعالم كله، سافر إلى باريس ليحصل دراسته العليا ثم هاجر إلى استراليا لعقد من عمره، ثم قرّر فجأة أن يعود إلى

موطنه فی الشَّرْق لیموت فی المکان الذی نبت فیهِ علی الرِّغم من أنَّ هذا الوطن لطلما تنکَّر له، ووصفه بالغریب المهاجر؛ لأنَّ أسرته جاءت إلى هذا المکان منذ قرون هاربة من جور ما فی أقصى شمال الکوکب، و لجأت إلى الشَّرْق المتوسِّط الدَّافی و اندغمت فیهِ...» (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۲۵) این نمونه‌ها به روشنی نشان می‌دهد که شعلان اشغال سرزمین خود را عامل اصلی بی‌خانمان شدن و آوارگی و رنج محنت مردم خود می‌داند. «کودکان بیش از دیگر افراد جامعه عواقب جنگ و آوارگی و محرومیت را لمس می‌کنند و در معرض شدیدترین دردها و رنج‌ها قرار می‌گیرند و از امکانات اولیه و در بسیاری از مواقع از آرامش و زیستن در آغوش گرم خانواده محروم می‌مانند؛ لذا در بحث رنج و اندوه انسان فلسطینی، رنج و اندوه کودکان فلسطینی بیشتر به چشم می‌آید؛ کودکانی که پیوسته مورد ظلم و ستم صهیونیست‌ها قرار می‌گیرند و واکنش سازمان‌های مدافع حقوق بشر نسبت به وضعیت این کودکان همچنان سکوت است». (سرباز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۴) «أصبحت حکایات شعبه تتلخَّص فی: التَّشْرِید و الحرمان، والظُّلم، والقسوة، والسَّجن، والتَّعذیب، والإبادة الجماعیة، والموت، والعنصریة، والفراق فی ظلِّ السَّجن أو النَّفی أو القتل أو التَّرهیب و الملاحقة». (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۴۶)

## ۱. ۲. فقر مادی

رنج و محنت دیگری که اشغال فلسطین برای مردم آن سرزمین در پی داشت؛ فقر، نداری و وضع معیشتی نامناسب بود. وضعی که به موجب آن «فقر و محرومیت و درد ناشی از آن، کودکان فلسطینی را وادار نموده است که در آرزوی لقمه نانی برای بقا و استمرار حیات خود باشند و ماه آسمان را هنگام خالی شدن کیسه‌های آرد، قرص نانی خیال کنند». (سرباز و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۸) بهاء (قهرمان داستان) یتیم بوده و در یتیم‌خانه وطنش زندگی سختی داشته و در سایه فقر و حسرت زندگی می‌گذرانده است و بعد هجده سالگی که از یتیم‌خانه بیرونش کردند او از روی فقر تن فروشی می‌کرد. بهاء می‌گوید «اینک زندگی را اگر قیمتش تن من است، اصلاً نمی‌خواهم» پس از مدتی او از تن فروشی توبه می‌کند اما همچنان جنگ و نبود امکانات باعث شده بود که بهاء بنویسد و این بار نوشته‌هایش را بفروشد و گاهی برخی از چپاولگران و فساد اداری و علمی به

وی خیانت می‌کردند. «الآن لا أريد الحياة أبداً إن كان ثمنها هو جسدی، و لا أريد الحياة إن كان ثمنها كلماتی الذهیبیة، أريد الآن أن أموت ميتة بخلاف الحياة، أريد أن أموت بكل شرف و احترام و هیبة و انتقاء و إصرار و ترصد، أريد أن أموت و أنا أقول لا لكل من يريد أن ينهش لحمی أو كلماتی، لن أعطی أحداً منی أكثر خلا الموت الذي أريد أن أعطیه نفسی بشكل كامل. (شعلان، ۲۰۱۸: ۲۱۶)

### ۱. ۳. ذلت و خواری

در نسیان چهاردهم رمان شعلان اذعان می‌دارد که خشم و غضب و روزگاران عذاب، با داستان گروهی از گرسنگان غرب به سوی آن‌ها آمد، اشغالگرانی که مرگ، گرسنگی و آوارگی را برایشان جمع کردند... «جاءهم السخط و الغضب و أيام العذاب على أیدی شرذمة من الجائعين الغرباء المحتلین الذين جمعهم الموت و الجوع و التشرّد، فجاءوا إلى أرضهم تحميمهم الأسلحة و العصابات و جيش الانتداب و الإدارة الدولية الغاشمة التي صمّت أذنانها عن أبسط مبادئ العدالة الدولية، و تواطأت مع تلك العصابات في أكبر سرقة في التاريخ؛ إذ هي أول مرة يُسرق فيها بلد كامل!» (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۴۶) بهاء نمادی بر نابودی عربی و غارت و چپاول در برابر نظام غول‌پیکر از نظام‌های چپاولگر است. هیچ‌کس مستحق حیات و زندگی نیست، مگر کسانی که مدافع وطن هستند؛ اما کسانی که خیانت کردند و ذلت و خواری را پذیرفتند و خواستار صلح با دشمنان شدند؛ تجسّمی از هم‌لانی ابوالهیبات بودند. او همچون هیولایی بود که از دشمن حمایت می‌کرد و می‌خواست همه تسلیم او شوند. انگار اینکار برایش سرگرمی شده بود. او به‌جای این‌که دشمن را خوار کند با دیدگاه‌های سیاسی، ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز با دشمن داشت؛ و بر این عقیده بود که مردان حقیقی صلح و آرامش حقیقی را به وجود می‌آورند. «و أصبح من هواياتي الحميمه أن أتابع تصريحاته السياسيّة الخطيرة حول ضرورة التعايش السلمی مع العدو بدل طحنه؛ لأنّ السلام الحقيقيّ يصنعه الرّجال الحقيقيون، و هو یری نفسه رجلاً حقیقیّاً، و لذلك يطالب بسلام الرّجال الأشاوس الذي يعدّ نفسه واحداً منهم بامتياز بشهادة لائحته كبرى من المومسات و شهاتي المجيدة». (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۶۶)

## ۲. پرداختن به مسائل درونی

شعلان در رمان «أدرکها النسیان» با اشاره به برخی رفتارها و ویژگی‌های افراد فلسطینی در برهه‌ای از زمان سعی دارد به نقد درونی جامعه خود بپردازد و جامعه‌ای را که دچار یأس و ناامیدی شده است را به تصویر بکشد.

### ۲. ۱. یأس و ناامیدی

در نسیان هشتم می‌خوانیم ضحاک احساس ترس و تنهایی می‌کند در حالی که به تنهایی در این راه‌های تنگ و تاریک کشور غربت راه می‌رود؛ او احساس می‌کند که در وطنش است، چراکه وطن نزد او آغوش و دوست داشتن است، این مکان او را در آغوش می‌کشد، اما آن خرابه‌های سنگ‌دل در شرق، جایی که دزدان و سنگدلان در آنجا زندگی می‌کنند، آنجا در نگاه او وطن نیست، ضحاک مایوس و ناامید می‌شود، آن‌ها چیزی بیشتر از خرابه‌های تاریخی نیستند که دزدان رهگذر تاریخ آنجا را نابود کردند. «هو يشعر أنه الآن في وطنه؛ فالوطن عنده هو الاحتضان والحب والافتاء، وهذا المكان قد احتضنه، وأحبه، ولذلك هو وطنه، أما تلك الخرائب القاسية في الشرق حيث يرتع اللصوص والقساء، فهي ليست أوطاناً في نظره، إنها ليست أكثر من خرائب تاريخية قد سطا عليها لصوص عابرون للتاريخ...» (شعلان، ۲۰۱۸: ۸۶) مردم و ملت‌ی که تحت اشغال دشمنان خود می‌باشند و می‌خواهند خود را رهایی بخشند، حق ندارد مایوس شود و امید خود را از دست بدهد، بنابراین باید تلاش کند و تمام توان خود را در مقابله با دشمن اشغالگر به کارگیرد تا بتواند بر این دشمن پیروز گردد و سرزمین خود را باز پس بگیرد و اگر ناچار به مهاجرت از وطن خویش شدند، باید در خاک وطن خدمت کنند و به خاک سپرده شوند. شخصیت ضحاک در اثر جنگ و آسیب‌های آن متأسفانه در دوگانگی وطن‌پرستی متحیر بود.

### ۲. ۲. مهاجرت و ترک وطن به کشورهای دیگر

از نگاه شعلان کسانی که وطن خود را ترک می‌کنند و به کشورهای دیگر فرار می‌کنند، چیزی جز ذلت و خواری نصیبشان نمی‌گردد و در پایان نیز با خفت و خواری و در غربت، مرگ آن‌ها را

در کام خود می‌بلعد که در رمان این مسأله به روشنی مشاهده می‌گردد. «هذه هي حكاية ثابت السردى، و حكاية شعبه التي تتلخص في أن لا تكون لهم حكاية سوى حكاية كابوسية واحدة، اسمها العذاب و الرحيل و الانتظار. ولكنّه دفع عمره ثمناً ليغيّر نهاية هذه القصة، لتصبح النهاية هي التحرير، و لا شيء غير التحرير». (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۶۶)

### ۲. ۳. دعوت به مبارزه و شکستن سکوت

یکی از اساسی‌ترین کارها برای پایان دادن به اشغال فلسطین و آزادی مردم آن، از ظلم و ستم اشغالگران مبارزه و مواجهه با دشمن و شکستن سکوت در مقابل این ظلم و ستم است. (مجیدی، ۱۳۹۰: ۹۱-۱۱۸، ۱۷۴) شعلان نیز همانند دیگر نویسندگان و شاعران فلسطینی به اهمیت مبارزه و ایستادگی پی برده است و پس از برشمردن سختی‌ها و آلام مردم فلسطین و به تصویر کشیدن آوارگی و رنج مردم سرزمینش، در پایان رمان خود با طرح پرسشی مهم و تأثیرگذار دعوت به مبارزه و شکستن سکوت می‌کند. شعلان در نسیان هفدهم به نوعی مبارزه و شکستن سکوت را اعلام می‌کند، آنجایی که بهاء می‌گوید آیا ممکن است که با قلم بر خودم و جامعه بشورم؟... من همواره زنده و آزاد خواهم بود تا گزینه‌های رد کردن، پذیرفتن، مذاکره، درگیری، سرکشی و انقلاب کامل را در اختیار بگیرم؟ «هل يمكن أن أثور بالقلم على نفسي و على المجتمع؟ أم أن القلم سيكون عبداً لكلّ مستلب لي كما هو حالي؟ هل سوف أثبتُ بالقلم و الحرف أنني لا أزال على قيد الحياة؟ و أنني لا أزال كائناً حياً حراً يملك خيارات الرّفص و القبول و التّفاوض و التّنازع و التّمرد و الثّورة الكاملة؟» (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۹۶)

### ۲. ۴. شهادت طلبی

در نسیان چهاردهم می‌خوانیم ثابت السردی قهرمانانه زندگی کرد و مرگ از نوع شهادت را قهرمانانه انتخاب کرد و مُرد همچون خوشه‌ای سربلند، همانند درخت زیتونی در زمین زندگی کرد و مالک چیزی نبود، جز این که نامش از آن روز به نام شهید ثابت السردی ثبت شد. «لقد عاش ثابت السردى بطلاً، و اختار أن يموت بطلاً مات مثل سنبلة رافعة الرأس، كما عاش زيتونة شامخة

ضاربه فی الأرض، و لذلك لم أملك إلا أن أسميه منذ ذلك اليوم باسم الشهيد ثابت السردى...». (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۴۵)

## مؤلفه‌های مقاومت در رمان «ارمیا»

### ۱. شهادت طلبی

شخصیت اصلی رمان همواره به دنبال این است که به شهادت برسد و با این کار سعادت اخروی را به دست آورد، برای این ادعا به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

«دکتر پرونده را بست، به ارمیا نگاه کرد.

- آقای ارمیا، درست گفتم؟ حالتان چطور است؟

- این وظیفه شماست که بفرمایید حالم چطور است و گرنه من همان‌جا هم گفتم نه بد نه خوب.

- خب شما دوستی را از دست دادید که خیلی به شما نزدیک بوده است نه؟

- مصطفی نه اصلاً به من نزدیک نبود، اگر نزدیک بود که من هم اینجا نبودم منم شهید شده بودم.

مصطفی کجا و من کجا! او یک مرد بود بزرگ بود البته من هم بزرگ می‌شوم.» (امیرخانی، ۱۳۸۸: ۲۵)

«در این قسمت از رمان، ارمیا شهادت را رسیدن به مردانگی و بزرگی می‌داند و آرزو می‌کند که بزرگ شود.»

در جایی دیگر، کسانی را که در جنگ به شهادت رسیده‌اند، مرد می‌داند: «بابا! مرد برای خودش که فایده ندارد، مرد خودش می‌شود شیرعلی قصاب، مرد مصطفی بود که سبیل نداشت، ریشش هم کم‌پشت بود، مرد مصطفی بود که شما نمیشناختیدش. مرد مصطفی بود که من هم نمی‌شناختمش.» (امیرخانی، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱)

### ۲- جانبازی و ایثار

ایثار و از خود گذشتگی، مقوله‌ای مهم در ادبیات پایداری است که همواره مورد توجه قرار می‌گیرد و جانباز نماد فرد شریفی است که از سلامت خود گذشته است تا وطن و مقدساتش سلامت بماند. «ساناز جای خالی پای پدر را باور کرده بود. وقتی شهین و شوهرش به داخل خانه آمدند، دکتر بدون اینکه چیزی بگوید به آن‌ها زل زد. ساناز که کارهای پذیرایی مهمان‌ها را تمام

کرده بود دو دستش را روی ویلچیر دکتر گذاشت. - پدر چرا اینجوری نگاه میکنی، پات درد می- کند؟ دکتر که انگار تازه متوجه نگاه طولانی اش شده بود سرش را بالا برد».

### ۳- تفاوت دو نسل

دفاع مقدس ایران، در زمانی بود که محلّ تلاقی دو نسل بود، نسلی که همواره دارای زندگی مرفّه بود و نسلی که با جنگ چشم به جهان گذاشت و همواره با صدای توپ و تانک بزرگ شد و لباس‌های وی پاره و خاک‌آلود بود. همواره لباس جنگ بر تن داشته است تا بتواند از کشورش دفاع کند. «پدر هرچند به فضای آنجا نمی‌خورد، اما غریب نبود. نگاه‌ها مسحور ریش‌ها و موهای بلند پسر نبودند، بلکه نگاه‌ها در شگفتی پیوند عجیب مردی میان‌سال با موهای جوگندمی‌شانه شده و جوانی کم‌سن با موهای بلند غرق شده بود. مرد میان‌سال یک کراوات کم داشت و جوان کم‌سن چفیه‌اش را در سنگرش جا گذاشته بود» (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۸۴). در اینجا، نویسنده در نظر دارد به تفاوت‌های موجود در جنگ و پیش از آن اشاره کند که تا حدّ بالایی موفق بوده است.

### ۴- پختگی و خودکفایی پس از جنگ

«ارمیا به اتاق خودش رفت. لباس‌هایش را برانداز کرد، به جز لباس‌های خاکی‌رنگ درون ساک، به هیچ لباس دیگری علاقه نداشت. در کمد لباس‌های فراوانی روی هم چیده شده بود... از پوشیدن بعضی از آن‌ها خجالت می‌کشید. وقتی بعضی از لباس‌ها را می‌دید، احساس می‌کرد این لباس‌ها مربوط به دوران کودکی‌اش هستند...» (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷) نویسنده به گونه‌ای میان لباس و اوضاع پیش از جنگ ارتباط برقرار کرده است که مخاطب به پیامدهای جنگ پی ببرد و از آن عبرت بگیرد، زمانی که فرد اتفاقاً جنگ را ببیند بسیاری از مسائلی که پیش از آن برایش هولناک بوده است بی‌معنی می‌شود.

### ۵- دفاع و پاسداری از مقدّسات

«نوجوان چهارده ساله‌ای که پشت لباسش نوشته بود: «می‌رویم تا انتقام سیلی مادرمان را بگیریم» چه می‌خواهد بگوید، مادری که اهل هزار و چهارصدسال پیش بود و فرزند چهارده



ساله‌اش امروز برای انتقام به پا خاسته است». (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۴۰) در این قسمت رمان، تعصّب جوانانی را شاهد هستیم که از مقدّسات و ارزش‌های مذهبی و دینی خود دفاع می‌کنند و هیچ‌گونه بی‌احترامی را نمی‌پذیرند. همچنین، بارها مشاهده می‌گردد که مقاومت ایران در دفاع مقدّس، با یاری‌جستن از امدادهای غیبی بوده است، که نویسنده در بسیاری از قسمت‌های این رمان به صورت مستقیم از آن‌ها یاد کرده است. «دوباره اسلحه را برداشت. موشک دوّم را جا انداخت. آن را روی شانه محکم کرد، اما قبل از اینکه بلند شود، انگار چیزی یادش آمده باشد، پرسید: آن آیه که قرائت کردید چه بود؟ «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى». برخاست و آیه را زیر لب تکرار کرد و فریادی کشید و شلیک کرد.» (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۴۳) «یا امام زمان، این‌ها سربازهای تو هستند. دارند گریه می‌کنند که بیایی. فرمانده ندارند. بدبختند. ... یا مهدی عجل علی ظهورک.» (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۳۰)

## ۶- دوری انسان از وطن

«وقتی ماهی از آب جدا می‌شود. شروع می‌کند به تکان خوردن، تنش را به زمین می‌کوبد. گاهی به اندازه طول بدنش از زمین بالاتر می‌رود. ستون مهره‌هایش را خم و راست می‌کند، مثل فنر از جا می‌پرد با سر و دمش به زمین ضربه می‌زند... با شکم روی زمین می‌افتد و دوباره همین کار را تکرار می‌کند.» (امیر خانی، ۱۳۸۸: ۱۹۹-۲۰۰) هنگامی که مخاطب، این قسمت از رمان را مطالعه می‌کند، ناخودآگاه ذهنش به سمت انسانی می‌رود که از وطن و محلّ مورد علاقه‌اش دور شده است، همانند ماهی‌ای است که از آب جدا شده است و در حال جان‌دادن است.

## ۷. مزدور بودن افراد، «وطن فروشی»

«وقتی کارت‌ان گیر است خوب حرف می‌زنید.

- والله ما کارمان گیرشمانیست، یعنی آنقدر کارمان پهلوی خداگیر است که دیگر بنده‌های خدا به حساب نمی‌آیند ...

---

- چه کار باید بکنی؟ خوب دیگر شماها شانستان که خوب است، رفتید آنجا پیک‌نیک، بعد هم به عنوان رزمنده فداکار آمده‌اید نمره بگیرید. خوب است دیگر، فعلاً اوضاع وفق مراد شماست. یک مشت آدم تنبل درس‌نخوان حق جوان‌های مردم را می‌خورید. من نمیدانم آخر جبهه رفتن چه ربطی به دانشگاه دارد؟» (امیرخانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۶) یکی از مشکلاتی که در هنگام جنگ در هر جامعه‌ای پیش می‌آید، برداشت‌های نادرست از افراد جامعه است که بدون اطلاع از شرایط، اعتقاد به باورهای غلط دارند. در اینجا، نویسنده نمونه‌ای از آن را بیان کرده است. قشری که هیچ اطلاعی از جبهه و جنگ ندارند، افراد رزمنده را مورد تمسخر و قضاوت نابجا قرار می‌دهند.

## نتیجه‌گیری

رمان «أدرکها النسیان»، روایت ماجراجویی و تجربه انسانی است که طعم درد، رنج و شکست را چشیده است. این رمان تجاوز به کشور فلسطین را روایت می‌کند و به بیان سقوط، انحطاط و نافرجامی سرزمین‌های ویران‌شده می‌پردازد و بیانگر انزوا و طرد انسان‌های سرکوب‌شده است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مقاومت موجود در این رمان، می‌توان به بیان آوارگی فلسطینیان، فقر مادی، بازماندن از پیشرفت و رسیدن به مقام‌های بالای انسانیت، ناامیدی، مهاجرت و ترک وطن، دعوت به مقاومت، شهادت طلبی اشاره کرد. همچنین این رمان با استفاده از رنگ‌ها توانسته است موضوع مقاومت و جان‌فشانی برای وطن را یکی از ارکان اصلی رمان جلوه دهد، به صورتی که استفاده از رنگ‌های سبز و قرمز که نماد آبادانی و شهادت می‌باشد باعث شده است حس دفاع از وطن و آرمان‌ها به مخاطب القا گردد.

نویسنده رمان «ارمیا»، در رمان خود با به تصویر کشیدن مسائلی همچون، از جان گذشتگی، تسلیم نشدن در برابر ظلم و تجاوز که در هشت سال دفاع مقدس بر مردم و وطنش تحمیل شد، در واقع نشان‌دهنده تصویری از تجاوزها، صدمات و آسیب‌هایی است که در زندگی به وجود می‌آید که هیچ پناهگاه و راه فراری برای رهایی از آن نیست. هياهو و فریادی است که نویسنده برای رسوایی ظلم، ستم، فساد، تخریب، دروغ‌گویی، تقلب و تحریف در داستان سر داده است.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف: کتابنامه

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - امیرخانی، رضا، (۱۳۸۸)، *ارمیا*، خراسان رضوی: سوره مهر.
- ۳ - خضر، غنام محمد، (۲۰۱۲م)، *فضائات التخلیل مقاربات فی التشکیل و الروی و الدلاله فی ابداع سناء شعلان القصصی*؛ الطبعة الاولى، عمان: مؤسسه الوراق للنشر و التوزیع.
- ۴ - الشعلان، سناء، (۲۰۱۸م)، *أدرکها النسیان*، الطبعة الاولى، اردن: امواج للنشر و التوزیع.
- ۵ - قصی، حسین، (۱۹۷۲م)، *الموت و الحیاة فی شعر المقاومة*، الطبعة الاولى، بیروت: الرائد العربی.
- ۶ - مشایخ، محمد، (۲۰۱۹م)، *معجم القاصین و الروائیین الاردنیین*، الطبعة الاولى، عمان.
- ۷ - نابلسی، شاکر، (۱۹۹۲م)، *مناهج الحریه فی الروایه العربیه*، بیروت: الموسسه العربیه للدراسات و النشر.

## ب- مقالات

- ۸ - سرباز و دیگران، (۱۳۹۵)، «درد و رنج کودکان فلسطینی در شعر محمود درویش»، نشریه ادبیات پایداری، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص: ۱۰۴.
- ۹ - صالحی، پریسا و نیکوبخت، ناصر، (۱۳۹۱)، «واژه گزینی شعری قیصر امین پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۴، صص: ۷۵-۹۹.
- ۱۰ - مجیدی، (۱۳۹۱)، «ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال، فلسطین و عراق به عنوان نمونه»، کرمان: نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر، سال سوم، شماره پنجم، شماره ششم، صص: ۴۱۱-۴۲۷.